

یادداشت

چند مسئله مدیریتی

زمانی در پوستر تبلیغاتی برای شورای شهر نوشته شده بود پروفیسور فلانی کاندیدای اصلاح شورای شهر. از منابع کشور برای فعالیت علمی آنها و برای اینکه کار پژوهشی و آموزشی باکیفیت برای جامعه داشته باشند، هزینه شده است؛ نه برای اینکه مدیر و سیاست‌مدار شوند. ممنوعیت ورود به مشاغل مدیریتی و سیاسی برخی از این دانشمندان که در رشته‌های علمی حساس فعالیت می‌کنند، باید بیشتر باشد. فعالیت علمی کاری دقیق، با تمرکز بالا و نیازمند وقت، صبر و حوصله زیاد است. اما عجیب اینکه هرکسی از جایگاه سیاسی و مدیریتی رانده می‌شود، می‌گوید به دانشگاه و کار علمی، پژوهش، درس و کلاس برمی‌گردد؛ یعنی این‌قدر کار علمی و آموزشی دمدستی و ساده است که هر منصب‌داری برای استراحت و کمین‌کردن برای فرصت مدیریتی و سیاسی بعدی به فعالیت علمی بپردازد؟ این موضوع فقط پایین‌آوردن جایگاه علم و دانشگاه است. بعد از این اگر کسی چنین حرفی زد، جامعه علمی نباید سکوت کند. معاون وزارت تعاون، رفاه و کار، چندی پیش اعلام کرد که یک چهارم جوانان ایرانی نه کار می‌کنند و نه تحصیل و در ادامه، یکی از مسئولان سازمان فنی و حرفه‌ای گفت که این جوانان دنبال مهارت‌آموزی هم نیستند. تعدادی از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان بدون اینکه اصلا بداند مسئله چیست و این آمار چگونه به دست آمده است، شروع کردند به تحلیل‌های عجیب‌و‌غریب. اقتصاددان معروفی گفت پس مشخص شد که خشونت در جامعه از کجاست؛ همین جوانان هستند که باعث گسترش خشونت در جامعه شده‌اند. جامعه‌شناسی هم اعلام کرد این جوانان عاطل و باطل برای خانواده‌ها پردرس و مسئله‌ساز هستند. کارشناس دیگری گفت برخی از این جوانان نابزپوره هستند و برخی دیگر در اقتصاد سیاه وارد می‌شوند و هر دو خطرناک هستند. تحلیل‌های عجولانه و بدون فهم دقیق مسئله در رسانه‌ها منتشر شد، اما کسی نپرسید که این آمار را سازمانی اعلام می‌کند که خود بخشی از مسئله است. مدیران این وزارتخانه در دولت‌های مختلف بارها اعلام کرده‌اند که بیش از هفت میلیون نیروی کار بدون بیمه در کشور وجود دارد. این تناقض را چگونه می‌توان توضیح داد؟ از طرفی می‌گویند جوانانی هستند که کار نمی‌کنند، یعنی در آمار رسمی این وزارتخانه جایی مشغول کار نیستند و در آمار رسمی در جست‌جوی‌ی مشغل هم نیستند و از طرفی اعلام می‌کنند که میلیون‌ها نیروی کار وجود دارد که بیمه نیستند، یعنی در آمار رسمی قرار ندارند. یا برای مثال، اگر جوانی در سازمان فنی و حرفه‌ای مشغول مهارت‌آموزی نیست، پس به دنبال فراگرفتن مهارت نیست؟ سازمان فنی و حرفه‌ای سال‌هاست که از مهارت و جامعه و جوانان عقب مانده است. این نشان می‌دهد مدیران، جوانان و کاتال‌های مهارت‌آموزی آنها را نمی‌شناسند. عجیب آن است که برخی اقتصاددانان و جامعه‌شناسان بعد از بیان این آمار ناراضا و نادقیق به شماتت این جوانان و خطرناک اعلام‌کردن آنها روی آورند. سرعت تحولات بسیار زیاد شده است و جوامع نیز از قبل پیچیده‌تر و مسائل نیز چندبعدی شده‌اند. با روند فعلی انتخاب، گزینش و تأیید مدیران، نظام مدیریتی روزبه‌روز از جامعه و تحولات عقب می‌ماند و نه‌تنها پیشرفتی ایجاد نمی‌شود، بلکه مسائل و چالش‌ها بیشتر می‌شود.

درس‌هایی از دادوقال‌های پیشاجنگ

بعد از حمله تجاوزکارانه اسرائیل به کشورمان و درحالی‌که فکر می‌کردیم این تغافل و خودمشغولی در روزهای حساسی که دشمن در حال تدارک و تحمیل جنگی خونین و وحشیانه بود، دیگر در دوره پساجنگ تکرار نمی‌شود، شوربخانه می‌بینیم که چنین نشد. به‌عنوان نمونه یکی از قبل‌وقال‌های این روزها به داستانی برمی‌گردد که گویا مسئول استانی اظهاراتی کرده که ایراد داشته است. پرچم اعتراض به این اظهارات را یکی از نمایندگان مجلس که به گمانم دوست دارد همواره پرحاشیه باشد، به اهتزاز درآورده است. او با زدن توییتی که ادبیات به کار گرفته‌شده در آن اعتراض همکاران پزشک استاندارد را موجب شده، این جنگ مجازی را راه انداخته است. این توییت دیگر نه استاندارد، بلکه همکاران شغلی سابق او را که اصولا کاری به اظهارات مورد اعتراض نماینده مزبور نداشته‌اند هم درگیر کرده است. آنها واژه به کار گرفته‌شده در توییت مورد اشاره را توهین به حرفه خود می‌دانند. بدیهی است که اگر آقای نماینده دست‌کم رعایت ادبیات مورد استفاده را می‌کرد، همکاران پزشک استاندارد دلیلی نداشتند که وارد معرکه شوند و جنگ مغلوبه‌ای رقم زده شود. راقم این‌طور نمی‌خواهد ذهن خود را به سمت داستان دایی‌جان ناپلئون ببرد و کسانی را که به داستان‌های سه‌گانه‌ی پیش‌گفته پرداختند و به آنها دامن زدند، آمر یا عامل کسسی بدانند، اما ملتبه‌کردن فضای جامعه در پی اظهارات یک مقام استانی، که ناگفته نماند هیچ موضعی در قبال آن نداریم، با فراقتنی و کشاندن پای قشرهای دیگر جامعه به ماجرا چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟ اظهارات آن مقام استانی می‌توانست بدون آنکه به سطح ملی کشیده شود، در همان محل رفع و رجوع شود. آن نماینده مجلس که می‌توانست با استفاده از اختیارات نظارتی خود و با رعایت چارچوب‌ها و بدون درگیرکردن جامعه، نهایتا مراتب را به وزیر کشور گوشزد کند و تا حصول نتیجه پیگیری باشد، چرا فراقتنی می‌کند و محیط غریب‌سود مجازی را که می‌تواند به تشدید فراقتنی بینجامد، به خدمت می‌گیرد؟ چکیده کلام آنکه اگر جای مسئولان ذی‌ربط بودم، سعی می‌کردم کاری آسیب‌شناسانه درباره چرایی و حیستیت پرشدن فضای رسانه از اخبار جنجالی و فاقد اهمیت در روزها و هفته‌های قبل از ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ که چه‌بسا در به انحراف کشاندن افکار عمومی، از آنچه در پیش بود، تأثیر داشت، صورت گیرد و بسته به نتیجه، آن را الگوی رفتاری برای دوره حاضر (پساحنگ) می‌ساختم. اما عجالتا و تا زمانی که نتیجه آسیب‌شناسی مدنظر، در صورت انجام، معلوم باشد باید در زمانه‌ای که شر جنگ همچنان بر سر کشور سایه افکنده و وضعیت معیشتی مردم حال خوشی ندارد و نارتاز‌ی‌ها ترجیع‌بند هم گزراه‌ای شده است، تمرکز مردم و مسئولان را روی پرداختن به آن امور و چاره‌جویی و ارائه راه‌حل قرار داد. باشد که با این تمرکز و حواس‌جمعی در ریل مناسب قرار گیریم و جبران مافات هم کنیم.

خبر

سفیر پاکستان در تهران خبر داد: تلاش برای ارتقای مبادلات تجاری به ۱۰ میلیارد دلار

سفیر پاکستان در تهران در مراسم گرامیداشت هفتادونهمین سالگرد استقلال پاکستان با اشاره به سفر موفقیت‌آمیز اخیر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، خاطرنشان کرد پاکستان و ایران مصمم در ارتقای حجم مبادلات تجاری خود به ۱۰ میلیارد دلار هستند. مراسم‌ی ویژه به مناسبت هفتادونهمین سالگرد استقلال پاکستان در «خانه پاکستان» در تهران برگزار شد و اعضای جامعه پاکستانی مقیم ایران و کارکنان سفارت در این مراسم حضور یافتند. این مراسم با برافراشتن پرچم ملی همراه با سرود ملی توسط محمد مدثر تیو، سفیر جمهوری اسلامی پاکستان در تهران آغاز شد. سفیر پاکستان در تهران در تجلیل از نیروهای مسلح پاکستان اظهار کرد: نیروهای ما همواره آماده دفاع از مرزهای کشور در برابر دشمن هستند. او افزود: موفقیت معرکه حق در ماه می ۲۰۲۵ م رهون توانمندی‌های بی‌نظیر دفاعی آنان بود. سفیر پاکستان همچنین با ادای احترام به هفاکاری‌های نیکان در راه تأسیس پاکستان تحت رهبری محمدعلی جناح، یاد آنان را گرامی داشت. او ضمن تبریک روز استقلال پاکستان به هم‌میهنان مقیم ایران، از مشارکت جامعه پاکستانی در این جشن قدردانی کرد و همچنین از خدمات آنان در عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی ایران و در راستای تقویت روابط دوجانبه سیاست‌گرای کرد. مدثر با اشاره به سفر موفقیت‌آمیز اخیر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، خاطرنشان کرد پاکستان و ایران مصمم در ارتقای حجم مبادلات تجاری خود به ۱۰ میلیارد دلار بوده و در این مسیر نقش جامعه پاکستانی مقیم ایران بسیار مهم و سازنده خواهد بود.

✚ جناب ذاکریان، در فاصله ۳ روزه تا پایان ضرب‌الاجل تروینکای اروپا برای ارسال نامه فعال‌سازی مکانیسم ماشه به شورای امنیت، شاهد یک فضای سرد و سکون دیپلماتیک هستیم؛ نه خبری از ادامه مذاکرات استانبول است و نه حتی دیپلماسی پنهان حکایت از چانه‌زنی تهران با برلین، پاریس و لندن دارد. این چه معنایی را به ذهن متبادر می‌کند؟ آیا تهران از هم‌اکنون خود را برای ارسال این نامه و فعال‌سازی مکانیسم ماشه در مه‌رم‌ها آماده می‌کند یا آن‌گونه که طیفی از کارشناسان معتقدند، در روزهای منتهی به پایان آگوست (نهم شهریور)، احتمال دارد تهران با تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه موافقت کند؟

من بسیار بعید می‌دانم که ایران در شرایط کنونی به دنبال اجرای سناریوی تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه باشد.

✚ از چه بابت چنین تحلیلی دارید؟

چون هم شرایط داخلی در کشورمان، هم شرایط منطقه خاورمیانه و هم شرایط بین‌المللی دست به دست هم داده‌اند تا فرصت‌های محدود کنونی از دستت ایران خارج شود. یعنی شرایط به سمتی پیش می‌رود که اندک فضای فعلی برای تنفس ایران گرفته شود؛ چراکه سعی می‌شود با گرفتن برگ‌های برنده، اهرم‌های فشار و فرصت و فضای تنفس برای تهران، نهایتا آن چیزی که غرب ترسیم کرده به کشور تحمیل شود و همان را بپذیرد. لذا من هفته‌ها و روزهای پیش‌رو را چندان روشن نمی‌بینم؛ چه روزهای منتهی به پایان ضرب‌الاجل تروینکای اروپا برای ارسال نامه فعال‌سازی مکانیسم ماشه به شورای امنیت، چه فرجه یک‌ماهه بعد از آن تا بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت در داسرستان و چه حتی بعد از آن. به نظر من شش‌ماهه دوم سال ۱۴۰۴ هم اگر کمتر از شش‌ماهه نخست سال جاری بر سر از بحران و تنش نباشد، کمتر از آن نخواهد بود.

✚ پس مهدی ذاکریان از هم‌اکنون این تصور را دارد که در پایان آگوست (نهم شهریورماه) تروینکا نامه را برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه به شورای امنیت ارسال می‌کند؟ یا پاسخ روشن و صریح می‌خواهم؛ بله یا خیر؟

بله، من چنین تصویری دارم. اما در عالم تحلیل و عالم سیاست و دیپلماسی، هیچ چیز قطعی نیست. اکنون همه چیز به شرایط و تصمیمات و اقدامات ما در سال‌های گذشته بستگی دارد. اگر هم این نامه در آن زمان به کار گرفته‌شده باشد، به احتمال زیاد به همان نتیجه منتهی می‌شود.

امینت برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها ارسال نشود، باز هم بحران پابرجاست؛ فقط زمان آن محل بحث است. چون تمام فشارهایی که در سایه فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها قرار است بر ایران تحمیل شود، حتی در صورت عدم ارسال نامه تروینکای اروپایی به اعمال خواهد شد. چون همان‌طور که گفتم، راهبردد فعلی در قبال تهران از جانب غربی‌ها این است که تمام فرصت‌ها، برگ‌های برنده و اهرم‌های فشار از ایران گرفته شود. ضمن اینکه اگر جمهوری اسلامی ایران با تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه موافقت کند، باز اتفاق خاصی روی نمی‌دهد و نمی‌توان از دل آن منتظر یک حادثه شگرف یا امیدآفرین بود. فقط بحران شش‌ماه دیگر تمدید شده است و اتفاقا سایه فعال‌سازی مکانیسم ماشه کماکان بر سر ایران سنگینی می‌کند و فرسایشی‌شدن این اهرم فشار تروینکای اروپایی می‌تواند تبعات خاص سیاسی، امنیتی، اقتصادی، تجاری، اجتماعی و فرهنگی را در داخل ایران به دنبال داشته باشد.

✚ راجع به نمایان‌های بی‌رون‌رفت از وضعیت کنونی چیست؟ یعنی تهران خودش را برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه آماده کند؟

به‌هیچ‌وجه. من موافق نیستم که تهران باید خود را برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه آماده کند؛ چون تبعات و بحران‌های فعال‌سازی آن کم نیست. کمااینکه تبعات و بحران‌های تمدید مکانیسم ماشه کم نیست. به همین دلیل، اصل من همان چیزی است که بعد از جنگ ۱۲ روزه مطرح شده است: می‌توانیم با پارادایم جدی، ملموس و عملی، هرچند در این مدت روی این کلیدواژه تغییر پارادایم در فضای تحلیلی و رسانه‌ای مرتب مانور داده شده است، اما متأسفانه در محیط عملیاتی، چه برای سیاست داخلی و چه برای سیاست خارجی، شاهد به‌کارگیری تغییر پارادایم نیستیم. متأسفانه در سال‌های اخیر به نحوی عمل کرده‌ایم که نهایتاً متأسفانه هر بر تحمیل خواهد شد. همان‌طور که اکنون موضوع گفت‌وگو من با حضرت‌عالی در روزنامه «شرق» که به تبعات ناشی از فعال‌شدن یا فعال‌نشدن مکانیسم ماشه برمی‌گردد و من اعتقاد دارم در هر دو صورت، چه مکانیسم ماشه در همراه فعال بشود و چه با تمدید شش‌ماهه آن موافقت شود، در نهایت یک بحران فرسایشی را به دنبال دارد. باید این نکته را هم اذعان کرد که سایر بحران‌ها در دیگر حوزه‌ها به همین شکل بر سر تحمیل شده است. به شکل مشخص، به تحولات قفقاز و توافق سه‌جانبه جمهوری آذربایجان، ارمنستان و آمریکا و قراردادی مبنی بر مسیر ترامپ به‌جای کریستور زنگتور اشاره می‌کنم. تهران، مشخصا از جنگ دوم قره‌باغ در سپتامبر سال ۲۰۲۰، هیچ‌گاه نتوانست یک سیاست فعال، هوشمندانه و در عین حال مبتنی بر واقعیت‌های میدانی در قفقاز جنوبی پیاده کند که کار به این نقطه کشیده نشود که اروپایی‌ها اکنون

بررسی روابط ایران و اروپا در واپسین روزهای ضرب‌الاجل تروینکا در گفت‌وگو با مهدی ذاکریان

تهران و تروینکا؛ بازی انتظار

مهدی ذاکریان: تمدید ۶ماهه مکانیسم ماشه فقط بحران را به تعویق می‌اندازد

عبدالرحمن فتح‌الهی: سکون دیپلماتیک کنونی در فاصله ۱۳ روز تا ضرب‌الاجل تروینکای اروپا (آلمان، فرانسه و بریتانیا) برای ارسال نامه فعال‌سازی مکانیسم ماشه در پایان ماه آگوست (نهم شهریور)، تداعی‌کننده نوعی بن‌بست استراتژیک در روابط تهران و اروپاست. این فضای سرد که نه ادامه مذاکرات استانبول را در پی دارد و نه نشانه‌ای از دیپلماسی پنهان، می‌تواند دو سنناریوی اصلی را تداعی کند؛ یا آمادگی تهران برای تقابل با بازگشت شش قطع‌نامه شورای امنیت یا پیشنهاد تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه در واپسین روزهای منتهی به ضرب‌الاجال تروینکا. در پیوست نکته مذکور از یک سو، تهران با تکیه بر مواضع قاطع خود مبنی بر غیرقانونی‌بودن فعال‌سازی مکانیسم ماشه، به‌ویژه پس از خروج آمریکا از برجام و عدم پایبندی اروپا به تعهداتش، ممکن است خود را برای سنناریوی بدبینانه آماده کند. هماهنگی با چین و روسیه، همان‌طور که عباس عراقچی اشاره کرده، نشان‌دهنده تلاش برای خنثی‌سازی تحریم‌ها در شورای امنیت است. این رویکرد، همراه با تأکید بر حق غنی‌سازی و رد اتهامات هسته‌ای، حاکی از استراتژی مقاومت و مدیریت تبعات اقتصادی و سیاسی تحریم‌هاست. از سوی دیگر، احتمال موافقت تهران با تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه، به‌ویژه در روزهای پایانی آگوست، نمی‌تواند نادیده گرفته شود. این تمدید می‌تواند فرصتی برای دیپلماسی فراهم کرده، شکاف میان اروپا و آمریکا را عمیق‌تر و از تشدید فوری تنش‌ها جلوگیری کند. در این بین، فضای شکستنده پساجنگ ۱۲ روزه نیز بر ابهام موضوع افزوده است. باین حال، پذیرش این پیشنهاد مستلزم انعطاف تهران در مذاکرات با آژانس یا آمریکاست که با توجه به محلات اسرائیل و ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران و موضع سخت‌گیرانه تهران، جالش‌برانگیز به نظر می‌رسد. در مجموع، سکون کنونی احتمالا نتیجه محاسبات تهران برای حفظ ابتکار عمل و اجتناب از امتیازدهی زودهنگام است. تصمیم نهایی به تصمیمات طرفین (ایران و اروپا) و پویایی مذاکرات بستگی دارد. بررسی دقیق‌تر این موضوعات، محور گفت‌وگویی با مهدی ذاکریان است که در ادامه مشروح کپ‌وگفت با این استاد حقوق بین‌الملل و تحلیلگر ارشد مسائل اروپا و آمریکا را می‌خوانید.

به‌تازگی عنوان کرده که درباره فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت، ا عراق و مبالغه شده است. این‌دست ادعاهای وزیر امور خارجه چه معنایی می‌دهد؟ آیا به نحوی دارد فضای روانی رسانه‌ای در کشور را برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه آماده می‌کند؟ آن‌هم در شرایطی که کشور با شرایط سختی مواجه است و این‌دست نگاه‌ها صرفا کارکرد روانی دارد. این سوال شما چند بخش داشت. اولاً، من برخلاف عباس عراقچی، معتقدم فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت همان اندازه که در فضای رسانه‌ای و تحلیلی نگران‌کننده است، واقعیت دارد و درباره آن هیچ‌گونه اغراق و مبالغه‌ای وجود ندارد. اتفاقا باید در شرایط کنونی به‌مراتب نگران این اتفاق بود؛ چراکه همان‌گونه که در بخش بعدی سؤالاتان اشاره کردید، کشور اکنون شرایط خاصی دارد و بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت، به‌عنوان یک کاتالیزور برای تشدید و تسریع بحران‌ها و رسیدن به یک نقطه کنترل‌ناپذیر عمل می‌کند. پس اتفاقا برخلاف وزیر امور خارجه، من معتقدم باید از هم‌اکنون نگران فعال‌کردن مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها بود.

من به‌عنوان یک استاد حقوق و روابط بین‌الملل، به‌عنوان یک استاد دانشگاه که سال‌ها کار تحقیقی و آکادمیک انجام داده، معتقدم که اتفاقا تبعات و آثار مخرب فعال‌شدن مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها در شرایط کنونی بیش از سال‌های گذشته خود را نشان خواهد داد. شاید آقای عراقچی به واسطه آنکه وزیر امور خارجه است و در سایه بُعد حقوقی جایگاهش نتواند بسیاری از مسائل را مطرح کند، اما این دلیل نمی‌شود که ما این هشدار را ندهیم. وزیر امور خارجه با توجه به جایگاه حقوقی‌اش سعی می‌کند فضای روانی در ایران را آرام کند. به همین دلیل سعی می‌کند یک قرائت تقلیل‌گرایانه از فعال‌کردن مکانیسم ماشه ارائه دهد. اما من بعید می‌دانم کسی در ایران باشد و به این واقعیت آگاهی پیدا نکرده باشد که فعال‌کردن مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت چه آثاری برای کشور در ابعاد مختلف خواهد داشت. واقعا همه جامعه می‌دانند که پس از فعال‌شدن مکانیسم ماشه، شش قطع‌نامه تحریمی شورای امنیت سازمان ملل علیه کشور بازخواهند گشت.

✚ ولی همین جامعه ایرانی هم می‌داندند که در مقام عمل، همه این تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های تحریمی سال‌هاست که در قبال ایران اثراتی می‌شود و نباید....

نکته شما درست است. در مقام عمل، سال‌هاست که همه این تحریم‌ها از سوی اروپا و آمریکا در قبال ایران اعمال شده است. اما پس از فعال‌شدن مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌های تحریمی شورای امنیت، همه این تحریم‌ها دیگر مشروعیت پیدا می‌کند. این مشروعیت از نظر حقوق بین‌الملل، یک الزام همه‌گیر را برای همه بازیگران جهان در قبال ایران به وجود می‌آورد.

✚ احساس می‌کنم در لایه پنهانی تحلیل شما، اشاره مستقیم به بازارهای سیاه و خاکستری دارید؟

دقیقا، چون بعد از بازگشت شش قطع‌نامه تحریمی، ایجاد مشروعیت و الزام بین‌المللی، همین فضای خاکستری و سیاه مشروطیت اقتصادی و تجاری ایران هم بسته خواهد شد. نمی‌گویم بطور مطلق، اما شرایط به‌مراتب سخت‌تر از این روزهای خواهد شد که من با شما گفت‌وگو می‌کنم. به همین دلیل است که من دوباره تکرار می‌کنم شش‌ماهه دوم ۱۴۰۴ هم به اندازه شش‌ماهه اول، بحرانی و بغرنج خواهد بود.

✚ جا دارد اینجا یک مقایسه با چاشنی انتقادی هم داشته باشیم، دال بر اینکه در دوره احمدی‌نژاد، قطع‌نامه‌ها حکم کاغذپاره داشتند، اما اکنون تقریبا همه به اهمیت قطع‌نامه، تأثیر و جایگاه آن واقف‌اند. با این حال و در عمل تفاوتی با آن دوران وجود ندارد. پس سؤالم اینجاست که وقتی می‌دانیم قطع‌نامه دیگر کاغذپاره نیست، چرا باز مسیر گذشته طی می‌شود؟

چون همان ایدئولوژی که در دوره احمدی‌نژاد، قطع‌نامه را صرفا کاغذپاره می‌دانست و می‌گفت آن‌قدر قطع‌نامه بدیدت تا قطع‌نامه‌دان‌تان پاره نشود، اکنون هم در همان رفتار تقابلی را در مقابل قطع‌نامه‌ها و با این تفاوت که می‌داند قطع‌نامه دیگر کاغذپاره نیست، می‌داند فعال‌کردن مکانیسم ماشه یعنی چه، می‌داند بازگشت تحریم‌های شورای امنیت چه معنایی می‌دهد. اما متأسفانه در مقام عمل و با علم به تأثیرات مخرب قطع‌نامه، در مقام تصمیم هیچ تغییری صورت نگرفته و کماکان به دنبال تکرار تصمیمیم، البته باید به یک مسئله مهم‌تر اشاره کرد که ما قطع‌نامه را کاغذپاره بدانیم یا ندانیم، تا زمانی که رفتار ما در مقام عمل تغییر پیدا نکند، شاهد تداوم همین مسیر هستیم. به همین دلیل می‌بینید که وقتی در نشست فصلی شورای حکام در خردادماه، قطع‌نامه علیه ایران صادر شد و ایران دست به واکنش متقابل زد، چند روز بعد از آن، اسرائیل حملات خود را به ایران آغاز کرد.

یک نکته، یک نظر

نرمش در برابر نرمش



احمد شیرزاد

یافشاری را نرمش؛ کدام رفتار درست است؟ در مورد مباحث سیاست خارجی و موضع‌گیری در برابر تهدیدهای دولت‌های غربی صحبت نمی‌کنم. در این یادداشت موضوع بحث من مسائل داخلی و موضع‌گیری جناح‌های سیاسی است. چندان هم وارد مصداق‌های خاص نمی‌شوم؛ اهل بخیه خودشان مصداق را می‌دانند.

صحبت این است که اگر نظام سیاسی حاکم بر کشور در مواردی نرمشی، هرچند کوچک، از خود نشان داد، موضع‌گیری اصلاح‌طلبانه در برابر ایسن نرمش چه رفتاری را اقتضا می‌کند؟ ایسا باید آن نرمش را دلخوش‌کنک و کم‌ارزش تلقی کنیم یا از آن استقبال کنیم؟ البته فرض من این است که آن نرمش‌و واقعا یک نرمش باشد و منجر به تغییری در شرایط، ولو به مقدار اندک بشود. در عین حال مسئله توازن قوای سیاسی نیز اهمیت دارد. چنانچه منتقدان سیاسی جایگاه بهتری در جامعه داشته باشند و بتوانند امکاناتی را برای رسیدن به اهدافشان فراهم کنند طبیعتا وضعیت متفاوت است و در چنین شرایطی معمولا جناح منتقد پرنرگتر وارد صحنه می‌شود. اما در هر حال، چه در شرایط قدرت نسبی و چه در شرایط فقدان قدرت، اصل اساسی در یک سیاست‌ورزی عقلاانه آن است که آن کسی که خواسته‌های سیاسی و مطالبات اجتماعی-اقتصادی مشخص از حاکمیت دارد، کنار نکشد و فعلاانه وارد تعامل و گفت‌وگو با عوامل سیاسی نظام حاکم نشود. انتظاری که از یک نیروی سیاسی می‌رود این است که دست از سیاست‌ورفتن از این امر- که به نظر من یک وظیفه ملی است- ما را به ورطه تکرارهایی می‌کشانده که نهایتا راه به جایی نمی‌برند. تداوم زخم‌ها و بگویمو‌های کهنه‌شده‌ای که بدنه جامعه هم به آنها علاقه‌ای ندارد، به نفع هیچ‌کس نیست. باید گامی برداشت و شرایط را تغییر داد.

شرایط سیاسی-اجتماعی بعد از جنگ ۱۲ روزه، در کنار خسارت‌ها و شهادت انسان‌های مظلوم، موقعیت جدیدی را برای ایجاد وفاق بیشتر در سطح کشور و ترمیم برخی زخم‌های کهنه ایجاد کرد. مشی و مرام اصلاح‌طلبانه ایجاب می‌کند که از این فضا برای رسیدن به برخی از مطالبات بر زمین مانده بهترین استفاده شود. طفرورفتن از این امر- که به نظر من یک وظیفه ملی است- ما را به ورطه تکرارهایی می‌کشانده که نهایتا راه به جایی نمی‌برند. تداوم زخم‌ها و بگویمو‌های کهنه‌شده‌ای که بدنه جامعه هم به آنها علاقه‌ای ندارد، به نفع هیچ‌کس نیست. باید گامی برداشت و شرایط را تغییر داد.

خبر

قبرس: رویارویی ایران واسرائیل می‌تواند دامن‌گیر ماشود

رئیس‌جمهور قبرس هشدار داد درگیری میان ایران و رژیم صهیونیستی می‌تواند به قبرس نیز سرایت کند. «نیکوس کریستودولیدس»، رئیس‌جمهور قبرس، در اظهاراتی از درگیری میان ایران و رژیم صهیونیستی ابراز نگرانی کرد و هشدار داد رویارویی میان این دو می‌تواند به قبرس هم برسد. او که با یک پادکست بریتانیایی گفت‌وگو می‌کرد، با تکیه بر ادعاهای بی‌اساس غرب علیه ماهیت برنامه هسته‌ای ایران مدعی شد: اگر ایران به قابلیت‌های هسته‌ای دست یابد، کشور ما نیز در خطر است. ۳۰ دقیقه با اسرائیل فاصله داریم. رئیس‌جمهور قبرس در ادامه رژیم صهیونیستی را نزدیک‌ترین متحد کشورش در منطقه توصیف و بر اهمیت روابط دوجانبه به تل‌آویو در بحبوحه بی‌ثباتی فزاینده در غرب آسیا تأکید کرد. به نوشته روزنامه جزوال‌مپست، او همچنین به دیدارهای اخیر خود با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، و «محمود عباس»، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین اشاره و خاطرنشان کرد که قبرس از راه‌حل دوکشوری حمایت می‌کند. او مدعی شد قبرس در تلاش است از طریق بندر آشدود، کپ‌های بشردوستانه را از راه‌حل دوکشوری حمایت می‌کند. او دیگری از صحبت‌های خود از جامعه بین‌المللی و کشورهای غربی انتقاد و آنها را به داشتن استانداردهای دگانه متهم کرد.